

## صدور سند رسمی فرش دستباف و پیامدهای ناشی از آن

سمن محوی<sup>۱</sup>، صمد سامانیان<sup>۲</sup>، یاور عبدالملکی<sup>۳</sup>

### چکیده

کارآیی برنامه‌ی حمایت از فرش دستباف ایران وابسته به استحکام نظام حقوقی آن و میزان حمایت از فعالان این حوزه است. خواستگاه این پژوهش بررسی پیامدهای صدور سند رسمی مالکیت فرش دستباف، به‌عنوان سندی لازم‌الاجرا با کارآیی خاص شکلی و ماهوی است که حافظ حقوق مادی و معنوی فعالان این حوزه و مصرف‌کنندگان نهایی این محصول می‌باشد و با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی ماهیت فرش دستباف و کارکرد شناسنامه و اسناد دیگر پرداخته و تفاوت آنها را بیان نموده است. منابع کتابخانه‌ای و درگاه‌های الکترونیک مرتبط نشان می‌دهد که نقطه‌ی عطف تلاش دولت‌ها در حمایت از جایگاه این محصول ملی، تصویب ماده ۲۲ قانون مقررات صادرات و واردات و طرح صدور شناسنامه‌ی فرش با کارکرد معرفی میزان کیفیت محصول است و مصاحبه با مسئولین نشان می‌دهد از استقبال کافی برخوردار نبوده و دلیل عمده‌ی آن عدم تناسب ماهیت و قدرت حقوقی این سند با نیازهای فعالان این عرصه بوده است. مطالعه‌ی کیفی کتب حقوقی، بیانگر نظارت قوانین حمایت از مالکیت فکری است بر حقوق معنوی طراحان قالی، علائم تجاری و نشان جغرافیایی که بنابر قدرت قانونی محدود به خود، قادر به حمایت کامل از تمامیت حقوق مادی و معنوی هنر صنعت فرش دستباف نیستند. نظر به اصل ۴۶ قانون اساسی «هرکسی مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است» و مواد ۱، ۲۲، ۴۷ و ۴۸ ق. ثبت، که کلمه‌ی اسناد را به تنهایی به کار گرفته و مطلق اموال منقول و غیر منقول را شامل شده است، مانعی قانونی بر مسیر صدور سند رسمی فرش به‌عنوان مال منقول وجود ندارد. هرچند صدور این سند دارای پیامدهای مثبت بسیاری مانند: حفظ حقوق تولیدکنندگان و دارندگان فرش، پیشگیری از وقوع جرایم و تسهیل تعقیب مجرمین در این حوزه، جلوگیری از خروج میراث فرهنگی با موضوع فرش... را در پی خواهد داشت، لیکن مشکلاتی نیز در مسیر خود دارد که اهم آنها جلب نظر دولت به معنای عام، تصویب دقیق قوانین لازم و فرهنگ سازی اهمیت آن است. نگرانی دولت مربوط به شوک آبی به بازار و اختلال در روند صادرات محصول است و نگرانی فعالان این حوزه نیز دسترسی دولت به اطلاعات تجاری و اخذ مالیات می‌باشد.

واژگان کلیدی: سند مالکیت فرش، سند رسمی، شناسنامه فرش، حقوق فرش

mahvi.samane@yahoo.com

Samanian@art.ac.ir

Yavarlawyer@gimal.com

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فرش، دانشگاه هنر،

۲. صمد سامانیان، دانشیار دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر،

۳. یاور عبدالملکی، مشاور حقوقی، دانش آموخته حقوق خصوصی

• این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان "امکان سنجی صدور سند رسمی مالکیت فرش دستباف" از دانشگاه هنر تهران می‌باشد.

## مقدمه:

فرش دستباف یکی از مؤلفه‌های انتقال فرهنگ، یادآوری نام ایران در سطح بین الملل و مهمترین کالای صادرات غیر نفتی کشور محسوب می‌گردد، در حال حاضر پیشرفت تکنولوژی صنعتی، سامانه‌های الکترونیکی، تبلیغات و تبادل اطلاعات، عرصه‌ی تجارت بین الملل را دچار تحولات بسیاری نموده است و بدون تردید ناهمگامی با این پیشرفت‌ها و تحولات، هرصنعتی را دچار چالش جدی خواهد نمود، هنر صنعت فرش دستباف ایران نیز، نیازمند تغییراتی هم‌وزن تحولات تجارت جهانی است و به همین دلیل شعار حمایت از فرش دستباف در دستور کار نهادهای مختلف قرار گرفته و دغدغه‌ی حفظ جایگاه آن در عرصه‌ی داخلی و بین الملل و بررسی راهکارهای مقابله با تهدیدات و آفات این هنر صنعت برجسته‌ی ملی، دانش‌آموختگان این رشته و رشته‌های علمی دیگر، مانند اقتصاد و حقوق را متوجه خود ساخته است که علیرغم تمام تلاش‌های صورت گرفته همچنان شاهد سیر نزولی وضعیت آن هستیم، بررسی‌های آماری و تحقیقات میدانی، کاشف از کاهش میل به سرمایه‌گذاری در این حوزه و ریزش جمعیت فعال در آن است و به نظر می‌رسد که دلیل عمده‌ی این مشکلات، ضعف در نظام حقوقی و قانونی این حوزه است. در این میان حدود یک سوم تولیدات و صادرات فرش دستباف کشور متعلق به تبریز است، بدیهی است که حمایت از دست‌اندرکاران این هنر صنعت، پیش‌نیاز حمایت از کلیت این حوزه است و از طرفی مهمترین حق تولیدکنندگان و بافندگان این عرصه، حفظ حقوق مالکانه‌ی آنهاست که دارای دوجنبه‌ی مادی و معنوی است و متأسفانه تاکنون مورد توجه کافی قرار نگرفته است.

## پیشینه پژوهش

یکی از مطالعات صورت گرفته، همسو با موضوع پژوهش مقاله‌ی حجت‌خادمی باعنوان "بررسی ظرفیت‌های حقوقی علائم تجاری برای حمایت از فرش دستباف ایران در داخل و خارج از کشور"، با استفاده از نتایج طرح تحقیقاتی مطالعه و بررسی به منظور تعیین راهکارهای حمایت از حقوق مالکیت معنوی فرش ایران که به سفارش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی توسط نگارنده به انجام رسیده و بخشی از آن به موضوع علائم تجاری اختصاص دارد، تهیه و تدوین شده است. (خادمی، ۱۳۸۸) پژوهشی دیگر باعنوان "تحقیق پیرامون روش‌های اجرایی ثبت طرح‌ها و نقشه‌های فرش دستباف ایران در مراکز و مجامع بین‌المللی ذیربط" (حفظ حقوق مالکیت معنوی) نوشته‌ی جمشید زمانی، در پی پاسخ دادن به سؤالاتی است از قبیل: مناسب‌ترین شیوه حمایت حقوقی از فرش دستباف، امکان برخورداری از کدام بخش از قواعد حقوق مالکیت معنوی برای نیل به این حمایت وجود دارد، چگونگی حمایت مؤثر از این صنعت در عرصه‌های ملی و بین‌المللی (زمانی، ۱۳۸۳) عباس عبادی وایقان در پایان نامه‌ی خود تحت عنوان "نظام حقوقی حمایت بین‌الملل از فرش ایران" معتقد است که مهم‌ترین مشکل فرش در سالیان اخیر، سوء استفاده کشورهای رقیب ایران همچون هند و چین و پاکستان از شهرت فرش ایران به‌عنوان نشان جغرافیایی است. وی با بررسی اسناد بین‌المللی در این ارتباط و باعنایت

به عضویت ایران در برخی از آن‌ها، به این ضرورت رسیده است که کشورمان باید به سرعت نشانه‌های جغرافیایی را از طریق سیستم لیسبون به ثبت برساند. (عبادی وایقان، ۱۳۸۹) هرچند ایده‌هایی نزدیک به مقصود پژوهشگر، از ذهن برخی از دست‌اندرکاران محترم این عرصه تراویده است اما در زمینه صدور (سند رسمی مالکیت) فرش دستباف، تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است در مقابل پژوهش‌هایی در زمینه‌ی انواع اسناد رسمی اعم از (گواهینامه‌ها، نشانهای جغرافیایی و علائم تجاری و شناسنامه‌ی تاریخی فرهنگی) و همچنین مالکیت ادبی و هنری در خصوص نقشه‌های فرش دستباف صورت گرفته است، هرچند که در زمره‌ی اسناد رسمی دولتی بیایند اما خاصیت مخصوص به خود را خواهند داشت و جایگاه «سند رسمی مالکیت» را ندارند و لذا پژوهش حاضر به بررسی راهکارها و پیامدهای صدور سند رسمی مالکیت فرش دستباف می‌پردازد و چالش‌های پیش روی این مسأله را بررسی می‌کند.

### اهمیت تنظیم سند رسمی فرش دستباف

با توجه به شرایط و اوضاع نامطلوب هنر صنعت فرش دستباف در حوزه‌های داخلی و خارجی که در خور شأن ابزار مهم و ماندگار انتشار فرهنگ ایرانی در عرصه‌ی بین‌الملل و کالای استراتژیک صادرات غیر نفتی کشور نیست و همچنین نظر به هماهنگی تمام دستگاه‌های اجرایی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی، بدیهی است که حرکت هماهنگ متولیان جامعه‌ی بزرگ فرش دستباف ایران نیز در راستای به ثمر رسیدن سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی کشور، از ضرورتها و تکالیف آنان است و با عنایت بر دستورات قانونی دیگر در راستای ارتقای نظم عمومی کشور مبنی بر راه‌اندازی سامانه الکترونیکی ثبت اسناد و املاک، که کلمه "اسناد" در اینجا و مفهوم مواد ۱ و ۴۷<sup>۲</sup> قانون ثبت، حکایت از اطلاق بر اسناد کل اموال منقول و غیر منقول دارد نیز ضرورت و اهمیت امکان سنجی صدور سند رسمی مالکیت در حوزه‌ی هنر صنعت فرش دستباف (مال منقول) را بیشتر نموده، چرا که در هر صنعتی حفظ حقوق مالکانه (مادی و معنوی) نه تنها ضروری است، بلکه از مبانی ارتقای آن صنعت محسوب می‌گردد.

نکات دیگر اینکه: با سابقه‌ی دیرینه و باستانی کشور ایران در حوزه‌ی فرش دستباف، اولاً؛ با ثبت رسمی و کامل مشخصات کمی و کیفی این هنر و رخدادهای پیرامون آن اعم از مشخصات بافنده و سلسله‌ی مالکان، سندی رسمی خواهیم داشت، پیش روی آیندگان. که در حال حاضر، سازمان میراث فرهنگی در تلاش برای کشف، ثبت و ضبط آثار گذشتگان متحمل صرف هزینه‌های بسیار است و تشکیل سامانه‌ی رسمی این اسناد کمک شایان توجهی نیز به حفظ میراث فرهنگی برای آینده‌ی ایران زمین و جلوگیری از قاچاق آن به فراتر از مرزها خواهد نمود.

ثانیاً؛ بر اساس اخبار موجود، متأسفانه شرکتهای ایرانی جهت تأیید کیفیت این محصول ملی به مراجع خارجی مانند (SGS)<sup>۳</sup> وابستگی نشان داده‌اند که به هیچ وجه شایسته‌ی آوازه‌ی این هنر صنعت ایرانی نیست و نظر به اینکه سابقه‌ی دیرینه‌ی بافندگی و نقشه‌آفرینی در این عرصه، پتانسیل وجود هنرمندان و خبرگان بسیاری را در کشور فراهم آورده، در راستای نیل به اهداف پژوهش

ضمن بهره‌گیری از این نیروی بالقوه در قالب کانونی رسمی و متشکل از کارشناسان مجرب این حوزه، بعید نیست که همین کانون به‌عنوان مرجع بی‌رقیب تأیید کیفیت این هنر صنعت، در نظام بین‌الملل شناخته شود.

ثالثاً: در اجرای کامل قانون حمایت از مالکیت فکری علی‌الخصوص حمایت از حقوق طراحان فرش، خلأ اجرایی وجود دارد، در فرضی که نقشه‌ی قالبی و محصول فکر یک طراح در اداره‌ی مالکیت فکری به ثبت برسد، مالک اثر یا دولت چگونه می‌توانند از سوء استفاده‌ی اشخاص مختلف در سراسر کشور جلوگیری نمایند؟

اجرای چنین پروژه‌ای می‌تواند در مراحل مختلف صدور سند رسمی، بصورت غیر مستقیم از حق طراح نقشه‌ی فرش نیز حمایت نماید و اجازه‌نامه‌ی وی را جهت استفاده‌ی بافنده، به عنوان یکی از پیش‌نیازهای صدور سند رسمی، در دستور کار خود بیاورد.

### ۱- مفهوم مال

(۱) «مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی

(۲) قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد». (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۹)

محمدجعفر جعفری لنگرودی نیز در کتاب حقوق اموال، در مورد مال چنین می‌نویسد: «لازم نیست نفع عقلایی، شایع و فراوان باشد بلکه، منفعت نادرهم می‌تواند عقلایی باشد». (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۶، ۴۹۵) همانگونه که از این تعاریف استنباط می‌شود قالبی دستباف نیز مالی حاوی منفعت‌های مادی و معنوی است و مالکان آن مستحق ادعای مالکیت انحصاری هستند.

### ۱-۱- اقسام اموال و منفعت آنها

قانون مدنی در باب اول، اموال را فقط از دو جهت تقسیم کرده است:

(۱) اموال منقول و غیر منقول (۲) اموالی که ملک افراد یا اشخاص حقوقی است و اموالی که مالک خاص ندارد.

از موادی مانند (۵۵، ۳۳۸، ۴۴۶، ۷۷۴، ۸۲۶) ق.م.عین و منفعت در برابر هم قرار گرفته و تقسیم‌های دیگری نیز برای اموال استنباط می‌گردد و بر هر یک از آنها آثار فراوانی بار شده است.

در (ماده ۹۵۰ ق.م.) به اعتبار دیگری اموال به مثلی و قیمی تقسیم شده است و سرانجام در مواد ۴۷ و ۶۳۷ سخن از اموالی است که استفاده از آن با بقاء عین امکان دارد.

لذا در قانون مدنی ۵ تقسیم برای اموال دیده می‌شود:

۱- اعیان و منافع

۲- اموال مثلی و قیمی

۳- اموالی که استفاده از آن با بقاء عین امکان دارد و اموالی که مصرف آن موجب از بین رفتن عین مال می‌شود.

۴- اموال منقول و غیر منقول

۵- اموالی که دارای مالک است و اموالی که مالک خاص ندارد.

جهت حفظ چهارچوب بحث پیرامون موضوع این پژوهش، سعی بر این است که حداقل امکان "فرش دستباف" را به عنوان مال در زیر مجموعه‌ی برخی از تقسیمات فوق تعریف نموده و به همین منظور از مفاهیم حقوقی و مواد قانونی مرتبط استفاده شده است.

### ۱-۲- اموال منقول:

(ماده‌ی ۱۹ ق.م) در بیان خصوصیت‌های مال منقول مقرر می‌دارد: «اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است.»

بنابراین تعریف فوق فرش دستباف در زمره‌ی اموال منقول است چرا که قابل جابه‌جایی از محلی به محل دیگر است.

### ۱-۳- اموال قیمی

ماده ۹۵۰ قانون مدنی: مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحو آن و "قیمی" مقابل آن است، مع‌ذلک تشخیص این معنا با عرف است.

در تفسیر ماده قانونی فوق مال قیمی مالی است که نظیر آن نوعاً بسیار نباشد و همانگونه که می‌دانیم هر فرش دستباف مشخصاتی معمولاً منحصر به فرد دارد و به سهولت مثل آن یافت نمی‌شود فلذا در ردیف اموال قیمی قرار می‌گیرد. برای تعریف بهتر اموال قیمی نیز باید گفت به عنوان مثال چنانچه در عقد بیعی گندم را مبیع قرار داده باشند و در اثناء داد و ستد، گندم موضوع معامله از بین برود می‌توان مثل آن را جایگزین کرد (اموال مثلی) ولی در همین مثال چنانچه یک تخته فرش دستباف موضوع معامله باشد در صورت تلف شدن، به دلیل دارا بودن جنبه‌های معنوی و تنوع در ارکان مختلف تولید، نمی‌توان بسادگی، فرش دیگری را جایگزین آن نمود و در صورت عدم تفاهم طرفین بر جایگزینی، عقد بیع به موجب تلف مبیع (عین معین) منحل می‌گردد.

### ۱-۴- عین معین

خاصیت مال با تعریف عین معین در این است که در صورت موضوع معامله بودن، مدیون موظف است مال معینی را در مقام وفای به عهد به متعهدله تسلیم نماید اما در تعریف اموال کلی باید گفت مالی است که صفات آن در ذهن معین و در عالم خارج، صادق بر افراد عدیده باشد. برای روشن شدن بیشتر این تعریف به مقایسه‌ی فرش دستباف و ماشینی می‌پردازیم. آیا می‌توان از یک تخته فرش دستباف در آن واحد، صد تخته سفارش داد؟ تبعاً ممکن نیست ولی از یک نمونه فرش ماشینی می‌توان هزار تخته هم سفارش داد و همین تفاوت است که فرش دستباف را در ردیف عین معین و فرش ماشینی را در ردیف اموال کلی می‌آورد. به عبارت دیگر از

یک نوع فرش دستباف نمی‌توان مثلاً صد تخته یافت نمود، ولی در خصوص فرش ماشینی بیش از این تعداد هم ممکن است. بنابر توضیحات فوق، فرش دستباف در ردیف اموال با خاصیت "عین معین" نیز قرار گرفت.

#### ۱-۵- اموالی که استفاده از آن با بقاء عین امکان دارد

پاره‌ای از اشیاء با نخستین استفاده از بین می‌رود و انتفاع از آنها با بقای عین ممکن نیست، ولی پاره‌ای دیگر از اموال را می‌توان با حفظ ماهیت آنها مورد استفاده قرار داد مانند زمین و ادوات کار، لباس و در مانحن فیه "فرش دستباف" که معمولاً قابل اجاره هم هستند و البته غالب این اموال در اثر استعمال مکرر فرسوده می‌شوند و قابلیت انتفاع را از دست می‌دهند ولی امکان بهره‌برداری مکرر و طولانی از آنها، این اموال را نسبت به دسته‌ی نخست ممتاز می‌دارد و نکته‌ی حائز اهمیت اینکه فرش دستباف در میان این اموال حائز امتیاز برتری است که عرفاً با استفاده‌ی بیشتر و در گذر زمان نه تنها قابلیت انتفاع را از دست نمی‌دهد بلکه بر ارزش آن نیز افزوده می‌گردد و گاهی در ردیف آثار تاریخی و اشیای عتیقه و ذی قیمت قرار می‌گیرد.

مداقه در تعاریف فوق و تطبیق آنها با اوصاف کالایی مانند فرش دستباف به راحتی می‌توان این کالا را در زیرمجموعه‌ی چنین اوصافی قرار داد.

#### منفعت اموال (مادی و معنوی)

برای مال دوگونه منفعت مادی و معنوی تعریف می‌کنند با این اوصاف که مقصود از نفع مادی نفعی است که بتواند یکی از نیازهای جسمی و فیزیکی شخص را مرتفع بسازد و مقصود از نفع معنوی آن است که بتوان به کمک مالی، یکی از نیازهای روحی و معنوی انسان را برطرف کرد. اموال معنوی هیچگاه مورد استفاده‌ی نیازهای روحی و معنوی اشخاص حقوقی قرار نمی‌گیرند چون این اشخاص، اصولاً فاقد نیازهای روحی و معنوی هستند. به‌عنوان مثال مسکن، خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها، پوشاک برطرف‌کننده‌ی نیازهای مادی هستند. اما، یک کاست موسیقی، یک تابلوی نقاشی، عکس از تصاویر مختلف و طرح یک "قالی دستباف" نیازهای روحی و عاطفی ما را برطرف می‌سازد. ذکر این نکته لازم است که «اشخاص حقوقی هم ممکن است، مالک اموال باشند یا تولیدکننده‌ی اموالی باشند که واجد منافع روحی و عاطفی هستند» (ماده ۲ معاهده تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری، WIPO).

در تولید یک قالی دستباف عوامل بسیاری دست‌اندرکارند که جایگاه هنرمندان در بین آنها برجسته است و همانگونه که می‌دانیم اهم محصول عمل هنرمندان همواره دارای ارزش‌های معنوی است، زیبایی‌ها، فرح‌انگیزی، تاریخی شدن و ماندگاری از صفات معنوی ساخته‌های بشری هستند که این جنبه‌ها در قالی‌های دستباف نفیس ایرانی هویدا است. لذا بر همین اساس احراز و اثبات مالکیت صاحبان این کالا دارای دو جنبه‌ی مالکیت مادی و معنوی است.

## مفهوم سند

سند در لغت به معنای «آنچه به آن اعتماد کنند» آمده است. (معین، ۱۳۶۸، ۱۹۲۹)

حقوقدانان نیز از این معنا دور نشده و سند را این گونه تعریف نموده‌اند:

## مفهوم عام

«هر تکیه‌گاه و راهنمای مورد اعتماد» دانسته‌اند. (امامی، ۱۳۷۱، ۶۵)

## مفهوم خاص

«که بتواند اعتقاد دیگران را به درستی ادعا جلب کند؛ خواه نوشته باشد یا گفته و اماره و اقرار»

(کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۲۷۵)

## مفهوم اخص و اصطلاحی سند

عبارت است از «هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد». ماده ۱۲۸۴ ق. م

و این همان چیزی است که در بند ۲ ماده ۱۲۵۸ ق. م تحت عنوان «اسناد کتبی» جزء دلایل اثبات دعوا و مهم‌ترین دلیل اثباتی

احصاء شده و با قید کتبی بودن از مفهوم عام سند جدا گردیده است. بنابراین «نوشته‌ای که به منظور تحقق بخشیدن اثبات واقعه‌ی

حقوقی تنظیم می‌شود، در اصطلاح حقوقی «سند» نامیده می‌شود». (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۴، ۶۳ و جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ۱۰۶۸)

تعاریف زیادی از سند به مفهوم اصطلاحی آن ارائه شده که در این مقال فقط به تعریف قانون مدنی بسنده شد.

## ۱-۲- اقسام سند

قانون مدنی در ماده ۱۲۸۶ علیرغم تنوعی که در اسناد وجود دارد با انتخاب معتبرترین تقسیم‌بندی نظام‌های حقوقی از سند، آنها

را به دو دسته کلی تقسیم کرده و بقیه‌ی اسناد را جزء یکی از این دو قسم دانسته است به موجب این ماده «سند بر دو قسم است :

(رسمی و عادی) البته این تقسیم‌بندی با توجه به درجه اعتباری است که به آنها داده می‌شود. این اسناد دارای چهار ویژگی اند.

چهار ویژگی مشترک اسناد عبارتند از:

- دلیل ثبوت حق هستند

یعنی نوشته‌ای که دلالت بر وجود حقی به نفع یک شخص دارد از قبیل: سند لازم الاجرا، سند اجرایی، سند تجاری، سند معامله،

سند ذمه‌ای، سند بیع، سند تعهد بیع و "سند مالکیت"

- دلیل اثبات حق هستند

به این معنا که در صورت لزوم می‌تواند در مقام اثبات حقی به نفع شخص دارنده‌ی آن یا شخص ثالث ذی نفع، به کار رود. آنچه در اعتبار سند گفته می‌شود مربوط به مرحله‌ی اثبات است و دلالت قطعی بر نفوذ و اعتبار عمل حقوقی موضوع آن سند نمی‌کند. به عنوان مثال نمی‌توان گفت چون سند رسمی است پس، هبه‌نامه، وصیت‌نامه یا شرکت‌نامه‌ی محتوی آن نیز نافذ است و این موارد خود در محکمه می‌تواند مورد ترافع قرار گرفته و پس از احراز حقایق آن توسط دادگاه، منشأ اثر قطعی قرار گیرد.

- از قوانین شکلی و ماهوی تبعیت می‌کنند.

«به موجب ماده ۱۲۸۸ ق.م ففاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد.

- نباید با نظم عمومی و اخلاق حسنه منافات داشته باشد.

جهت تفاوت اسناد (رسمی و عادی):

- از حیث شکل و تشریفات تنظیم

- از نظر توان اثبات و امکان اظهار انکار و تردید

- از حیث توان و قدرت اجرا (لازم الاجرا بودن بدون نیاز به حکم دادگاه)

زنده یاد ناصر کاتوزیان معتقد است این تقسیم‌بندی اسناد به «رسمی و عادی» براساس «توان اثبات کنندگی سند»

است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۹۵)

## ۲-۲- اسناد رسمی و اسناد عادی

### سند رسمی

«اسنادی که در اداره‌ی ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر

طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است.» (ماده ۱۲۸۷ ق.م)

«این اسناد حسب مقررات و تشریفات تنظیم آنها از حمایت‌های خاص قانونی نیز برخوردارند.

اسناد مالکیت هر کدام به نص قانونی یا حکم دادگاه یا بخش‌نامه‌ی ثبتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و با رعایت تشریفات خاصی صادر می‌شوند.» (اصغرزاده بناب، ۱۳۹۳، ۱۱۰)

اسنادی که در دفترهای اسناد رسمی، ازدواج و طلاق، ادارات ثبت شرکت‌ها و ثبت اسناد و املاک توسط مأمورین رسمی تنظیم می‌گردند، سند رسمی مورد نظر قانونگذار هستند و متعاقباً مورد حمایت‌های خاص قرار گرفته‌اند، تشریفات و دست‌والعمل‌های قانونی در خصوص تنظیم اسناد معطوف به دومقوله‌ی شکلی و ماهوی است که وابسته به نظر مقنن و نیاز در هر مقوله‌ی خاص می‌تواند متفاوت باشد.



#### ۱- محتویات:

مفاد فرم سند را گویند که تقریباً در هر سندی ثابت است. یعنی آن چیز مادی و تشکیل دهنده‌ی فرم سند که اکثریت اسناد، آن را دارا هستند مانند: تاریخ تنظیم سند، شماره دفترخانه، مشخصات تنظیم کننده‌ی آن، موضوع سند (بیع، وکالت، قرارداد یا وصیت‌نامه) امضای طرفین تنظیم کننده‌ی سند و امضای سردفتر تنظیم کننده‌ی آن و دفتریار که با نظارت و توسط مأمور رسمی، تنظیم می‌گردد.

#### ۲- مندرجات:

مندرجات سند شامل دو قسمت است:

الف) اقرار و اراده‌ی طرفین سند مورد تنظیم: یعنی آنچه که طرفین اظهار می‌کنند یا طرف تنظیم کننده عنوان می‌کند و سر دفتر آن را در سند منعکس می‌نماید.

ب: اظهار نظر خود سردفتر: مثلاً ممکن است سردفتر بنویسد که ثمن معامله نقداً پرداخت شده است یا این که هویت طرفین را احراز می‌کند. این نظر خود اوست که در سند معکس می‌گردد و از جمله مندرجات سند می‌باشد. آنچه مربوط به مندرجات سند است همان اقرار به مطلب و اراده‌ی طرفین نسبت به موضوعی است که توسط سردفتر در سند درج و منعکس شده است. ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد و املاک، مندرجات و محتویات سند را از هم جدا کرده است، قسمت اول ماده مزبور در رابطه با محتویات سند و قسمت دوم آن در رابطه با مندرجات سند است. تبصره‌ای هم ذیل این ماده است که با توجه به مفهوم مواد ۱۲۹۲ قانون مدنی و ماده ۷۰ قانون ثبت، نسبت به آنچه مربوط به محتویات سند است اظهار انکار و تردید مسموع نیست، مگر اینکه نسبت به آن ادعای جعلیت شود. لذا برابر مقررات چنانچه در خصوص ادعای انکار و تردید نسبت به اسناد رسمی، دادرسی وارد رسیدگی شود، خودش قابل تعقیب است.

در هر مرحله از بیان اوصاف اسناد مختلف که در دودسته‌ی کلی (رسمی و عادی) آمده‌اند و تداعی ارزش مادی و معنوی کالایی مثل قالی دستباف علی‌الخصوص انواع نفیس آن، با نگاهی منطقی و مسئولانه، این کالا، پدید آورنده و مالک آن را مستحق و شایسته‌ی داشتن سند رسمی می‌داند.

#### سند عادی

«غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.» (ماده ۱۲۸۹ ق.م.)

اسناد عادی توسط افراد عادی تنظیم می‌گردند و برای برخورداری از حمایت‌های قانونی نیاز به طی سلسله مراتبی دارند که البته اسنادی تجاری همچون چک، سفته، برات نیز از جمله‌ی اسناد عادی در حکم لازم‌الاجرا هستند و علیرغم تنظیم توسط افراد غیر

رسمی به حکم قانون مورد حمایت مشروط قانونی قرار گرفته‌اند.

### ۲-۳- مالکیت:

بر اساس (اصل ۴۶ این قانون): «هر کسی مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». از طرفی برابر قوانین، دولت کسی را مالک می‌شناسد که مال بنام او ثبت شده است و با تطبیق این موارد می‌توان حدس زد که مالکیت ثبت نشده بر اموال منقول، همواره دچار خدشه و چالش خواهد بود و مالکیت بر فرش دستباف نیز از این قاعده خارج نیست.

### ۲-۴- ابزار یا ادله‌ی اثبات مالکیت

#### ادله اثبات مالکیت

#### ۱- اماره‌ی تصرف به‌عنوان ابزار قدیمی و با پشتوانه فقهی اثبات مالکیت

در ماده ۳۵ قانون مدنی آمده است: «که تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود». فلذا تصرف اموال از نظر عرف و قانون دلیل (اماره‌ی) مالکیت است. البته وفق (ماده ۲۹ قانون ثبت)، همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده است یا کسی را که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا کسی که ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده است مالک می‌داند.

از مفهوم مواد قانونی فوق این‌گونه به نظر می‌رسد که دو ماده‌ی قانونی فوق با هم در تضادند اما واقعیت این است که (ماده ۳۵ ق.م) در خصوص اموال غیر منقول توسط (ماده ۲۲ ق.ث) تخصیص خورده است و مقنن عملاً متصرفین املاک را تا زمانی مالک می‌شناسد که سند رسمی ملک غیر منقول تحت تصرف آنان به نام شخص دیگری نباشد و البته مفهوم مخالف (ماده ۲۲ ق.ث) این است که اماره‌ی تصرف در خصوص اموال منقول همچنان به قوت خود باقی است و این مهم، خطر تزییع حقوق مالکین فاقد سند رسمی اموال منقول را که مال متعلق به آنان به نحوی از انحاء غیر شرعی و قانونی، از تصرفشان خارج شده، بیشتر نموده است. چرا که فعلاً از نظر مقنن متصرف مال، مالک آن محسوب می‌شود. از منظر دیگر برای غلبه بر (اماره‌ی تصرف) بدلیل اینکه بار اثبات دعوی به عهده‌ی مدعی منکر مالکیت متصرف است، باید از ادله‌ی اثباتی دیگر همچون اقرار، اسناد یا شهادت بهره گرفت که اصولاً و آن‌گونه که روند رسیدگی‌های قضایی نشان داده است، بهترین نوع ادله‌ی اثبات یا ابزار غلبه بر امارات (قانونی و قضایی)، اسناد از نوع رسمی یا اسناد عادی که صحت آن در دادگاه احراز شده باشد. علم و آگاهی شخصی قضات و اقرار خواننده‌ی دعوا نیز جزو ادله اثبات هستند و از آنجا که در زمان اتفاق ترافعات، معمولاً بعید است که خواننده‌ی پرونده یا متهم در پرونده‌های کیفری به نفع مدعی

اقرار نماید و معمولاً قاضی پرونده نیز بدلیل عدم اطلاع کامل از زمان ماضی و اشراف کامل نسبت به موضوع قادر به اظهار عقیده‌ی شخصی نخواهد بود لذا تنها دلیل محکم و برخوردار از حمایت‌های قانونی در برابر اماره‌ی تصرف "اسناد رسمی" است.

به‌عنوان مثال فرض کنید یک تخته قالی دستباف نفیس را به قیمت قابل توجهی خریداری کرده‌اید و نهایتاً یک برگ فاکتور (سند عادی) هنگام خرید آن دریافت نموده‌اید، حال به موجب سرقت یا مفقودی بلافاصله، آن تخته فرش از تصرف شما خارج شده و احیاناً فاکتور خرید آن را نیز از دست داده‌اید و شاهدهی هم برای این اتفاقات نبوده است، به فرض اینکه فاکتور و شاهد هم بود مدت‌های مدیدی برای یافتن کالای خود در نزد غیر و در این صورت جهت اثبات مالکیت خود بر آن کالا و انطباق سند عادی خود (فاکتور) بر مشخصات کالای کشف شده ضمن طرح شکایت در محاکم قضایی و صرف هزینه‌های بسیار، چه مشقتها و زحماتی برای مالباخته و دستگاه قضایی قابل تصور است.

## ۲- سند رسمی مالکیت بعنوان ابزار قوی اثبات مالکیت

از قبیل: کلیه‌ی اسناد تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی و تحت نظر مأمورین رسمی دولتی مثل سند خودرو، موتور سیکلت، (هبه نامه، صلح‌نامه در خصوص اسناد و اموال "منقول و غیر منقول" ثبت شده) ویژگی اغلب اسناد رسمی مالکیت از نظر محتوایی در این است که برابر مقررات، وابسته به ماهیت اموال موضوع سند، اوصاف و مشخصات مال (شناسنامه و تعرفه) که به اسناد ضمیمه است، مشخصات مالک (که در متن اسناد مندرج است) شماره سریال، ایادی یا خریداران بعدی و دیگر موارد لازم و اثبات‌کننده‌ی مالکیت دارنده‌ی سند بر مال موضوع سند آمده است و همین امور در صورت بروز اتفاقات مختلف جدا کننده‌ی مال از مالک آن، به استمداد صاحبان حق و دستگاه قضایی خواهد آمد. اسناد رسمی برابر تعریف ماده ۲۱ قانون ثبت: «سندی که اداره‌ی ثبت مطابق ثبت دفتر املاک تهیه و به مالک یا قائم مقام او تسلیم می‌نماید».

## ۳- قانون مربوط به صدور شناسنامه‌ی فرش دستباف

طبق مصوبه‌ی قانونی صدور شناسنامه برای فرش ایران نه به‌صورت صریح بلکه بصورت ضمنی الزامی شد که جزییات این قانون به شرح زیر است: (ماده ۲۲ قانون مقررات صادرات و واردات ایران مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ مجلس شورای اسلامی): «وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است به منظور حفظ و صیانت فرش ایران و ایجاد زمینه مناسب برای حمایت از آن در بازارهای جهانی از صدور فرشهای صادراتی از ۳۰ رج به بالا بدون شناسنامه از تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱ جلوگیری به عمل آورد. اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن از تاریخ فوق بنا به درخواست صادرکننده، به صدور شناسنامه بطور الزامی و تا تاریخ مزبور به صورت تشویقی اقدام خواهند نمود».

## ۳-۱- مشکلات صدور شناسنامه فرش دستباف

«نگرانی‌های بخش خصوصی برای استفاده از شناسنامه مورد بررسی قرار گرفته و شناسنامه‌دار کردن فرش دستباف از سوی اتاق

بازرگانی صنایع و معادن ایران در دستور کار قرار گرفته بود و به دلیل اینکه اجرای این طرح از موفقیت چندان برخوردار نبود، طرح کدگذاری فرش دستباف از سوی مرکز کدگذاری نیز چندان مورد استقبال قرار نگرفت. نکته دیگر در کار هنری این است که زمان تهیه شناسنامه برای فرش حائز اهمیت است، باید مشخص می‌شد که تهیه شناسنامه در کدام یک از مراحل بافت، شور، شست‌وشوی قالی و یا صادرات باید انجام شود چرا که در هر کدام از این مراحل اندازه فرش تا حدودی تغییر می‌کند. مشکل دیگر نصب شناسنامه پشت فرش بود، برای هر فرش شناسنامه‌ای جداگانه صادر و پشت فرش نصب می‌شد که در حجم بالای کار نصب تعداد زیادی شناسنامه پشت تعداد زیادی فرش کار چندان ساده‌ای نبود و نیازمند دقت بسیار زیادی بود. مشکلات سخت‌افزاری مانند تهیه پرنتر مجهزی جهت صدور شناسنامه‌ی فرش وجود داشت که تعاونی‌های فرش دستباف توان خرید و تهیه این پرنتر را نداشتند. یک پرنتر تهیه شده بود و تمامی تعاونی‌های فرش از طریق آن پرنتر شناسنامه‌های خود را صادر می‌کردند...

[www.asrtebat.blogsky.com/۱۳۰۲۸۰۱۳۸۷/۸/۱۸](http://www.asrtebat.blogsky.com/۱۳۰۲۸۰۱۳۸۷/۸/۱۸)

مطالب فوق تنها بیان‌گر بخشی از مشکلات صدور شناسنامه‌ی فرش دستباف است و به نظر می‌رسد که دلیل مشکلات پیش آمده، عدم تحقیقات و کارشناسی کافی نسبت به مؤلفه‌های لازم و نحوه‌ی دقیق اجرای طرح بوده است و از طرف دیگر ریشه‌ی اساسی مشکلات را می‌توان در ساختار حقوقی طرح جستجو نمود، علی‌الاصول اجرای طرح‌های در وسعت کشوری نیازمند مصوبات قانونی و هماهنگی دستگاه‌های مختلف اجرایی است و در این صورت هزینه‌های مربوط به آن در ردیف بودجه خواهد آمد و نیازمندی‌های سرمایه‌ای این‌گونه طرح‌ها از طرف دولت پشتیبانی و تأمین خواهد شد و از جهت دیگر، پیشبرد طرح‌های در برگزیده‌ی مقیاس کشوری نیازمند استقبال توده‌های مردمی است و پیش‌نیاز ایجاد انگیزه برای مشارکت عمومی مستلزم بهره‌ور بودن طرح و سودآوری آن برای جمیع مشارکت‌کنندگان تحت عنوان توجیح اقتصادی طرح است.

### ۳-۲- تفاوت سند رسمی مالکیت (پیشنهادی فرش دستباف) با شناسنامه و اسناد دیگر

علیرغم وجود تفاوت‌های اساسی حقوقی و ماهوی شناسنامه با (سند رسمی مالکیت فرش) به دلیل شباهت‌های مفهوم عرفی آن با سند رسمی مالکیت، یحتمل نظرات پیرامون آن به اجرای طرح موضوع پژوهش نیز تعمیم یابد و به تکمیل هرچه بهتر طرح اجرایی آن مدد رسانده و موجبات رفع نواقص طرح را فراهم آورد.

«فرش ایران باید دارای یک برگ هویت به صورتی که از بین نرود باشد و با یک کد یا ریزتراشه خاص با آن فرش ارتباط داشته باشد و پس از تأیید کیفیت لازم از سوی مرجعی رسمی و دارای تأییدی بین‌المللی دست به دست گردد. اقدامات دولت در زمینه تنظیم شناسنامه فرش دستباف به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده است. (۱۳۹۱/۱۰/۲۳: ۱۷، ۱۰: ۵۲) [www.mirzacarpet.ir/post/](http://www.mirzacarpet.ir/post/) ساختار حقوقی این طرح حمایتی، توان رساندن اجرا کنندگان آن را به مقصود نداشته است و البته به استناد بیانات فوق، مقصود از اجرای

این طرح، ایجاد برگه‌ی تشخیص هویت کالا بوده است که می‌تواند حاوی اطلاعات فنی و کیفی فرش دستباف باشد و بنابر اظهارات مجریان آن تاکنون نه تنها دارای توجیح اقتصادی و تأمین کننده‌ی استمرار خود نبوده است بلکه مؤلفه‌های انگیزشی آن برای گروه‌های مشارکت کننده نیز از قدرت کافی برخوردار نبوده است.

به دلیل وجود تفاوت‌های اساسی در ساختار مفهومی و حقوقی این طرح و موضوع تحقیق، قادر به قیاس منطقی بین آنها نخواهیم بود، لکن در راستای بیان واقعیت مفهوم و ماهیت این دو موضوع متفاوت، چاره‌ای جز پرداختن به آثار منتج از اجرای آنها نبود که در ادامه مطالب صدر گفته، به برخی از خواص و آثار اسناد رسمی مالکیت می‌پردازد: برای ملموس بودن و جلوه‌ی واقعی این آثار، املاک دارای سند رسمی مالکیت و املاک بدون سند رسمی را فقط از جنبه قدرت دریافت تسهیلات بانکی مورد توجه قرار داده است، برابر مقررات بانکی و اعطای تسهیلات حمایتی و غیره حتی در اجرای طرح‌های بازسازی بافتهای فرسوده نیز، ارائه‌ی سند رسمی ملک از ملزومات اجتناب ناپذیر است، هرچند ملکی که سند رسمی ندارد، دارای ارزش مادی بالایی باشد. حال باتوجه به اینکه املاک بدون سند رسمی مالکیت، علیرغم خاصیت غیر منقول بودن، غیر قابل سرقت و دیگر آفاتی که اموال منقول را تهدید می‌کند، توان دریافت تسهیلات بانکی را ندارند و برخوردار از بسیاری ابزار حمایتی نیستند، چه انتظاری از فرش دستباف بی پناهی که با وجود آفات و تهدیدات بسیار، سند مالکیت رسمی هم ندارد؟ و شناسنامه‌ی تنها چه نقش مهمی را می‌تواند ایفا نماید؟ از طرف دیگر همانگونه که اموال بدون سند رسمی قابل ترهین نیستند، معمولاً و براحتی قابل توقیف هم نیستند.

«با نگاهی به مجموع این نظرات نباید در لزوم شناسنامه‌دار شدن فرش‌های دستباف ایرانی تردید کرد. نباید در شرایطی که رقیبان ما آرام ننشسته‌اند و هر روز نشان و برجسی ویژه را به مخاطبان عرضه می‌کنند این مهم را هم نادیده گرفت. نباید در شرایطی که خریداران برگه‌ای معتبر و اطلاعات‌دهنده را به منزله‌ی کمترین خواسته در خریدی گرانبها مطالبه می‌کنند به این خواسته بی‌توجه باشیم. پس شناسنامه را بپذیریم، اما در باره‌ی چگونگی ترویج و تبلیغش ... تدبیر کنیم». (کارگر، ۱۳۹۴، ۷۷)

## ۱- تفاوت‌های حقوقی و ماهوی

«شناسنامه‌ها بر اساس قانون ثبت احوال توسط مأمور ثبت احوال و در دفتر ثبت کل وقایع تحت تصدی سازمان ثبت احوال کشور تنظیم و ثبت می‌گردد». (ماده ۱۳ و تبصره آن از ق.ث.احوال) همچنین مفاد مندرج در شناسنامه‌ها برابر ماده ۳۶ همان قانون از قبیل: «تاریخ تولد، محل تولد، محل صدور، نام و نام خانوادگی و غیره است که تفاوت عمده‌ای با مشخصات کالاها و از همه مهم‌تر کارکرد صدور شناسنامه برای یک کالا دارد و شناسنامه ناظر بر اطلاعاتی راجع به شخص و یا اموال است. از طرفی شناسنامه به موجب فوت اشخاص ابطال می‌گردد. البته اوراقی تحت عنوان شناسنامه در خصوص اوصاف فنی ماشین‌آلات صنعتی و از این قبیل توسط سازمانهای صنعتی تنظیم می‌شوند که قاعدتاً از زمره‌ی اسناد رسمی خارج هستند و شامل کد دستگاه، مشخصات فنی از

قبیل: قدرت، سرعت، قطعات اصلی دستگاه، نام و آدرس فروشنده ... و کار کرد آن، ثبت کلیه‌ی اتفاقات و خرابی‌های دستگاه در شناسنامه و در برخی موارد استفاده از خدمات پس از فروش است. حال به فرض که نام سازنده‌ی کالای صنعتی را در شناسنامه آورده باشند، این نام نیز به نوعی معرف میزان کیفیت آن کالا است به عبارت دیگر حکایت از ساخت آن کالا توسط یا تحت نظارت فلان استادکار ماهر دارد، نه نام مالک آن کالا و چون نام سازنده کالا جزو اوصاف کیفی و فنی آن کالا است، نمی‌توان با تغییر مالک آن، که بدو امکان است شخص سازنده کالا باشد، نام سازنده را پاک کرد و نام مالک بالفعل کالا را نوشت.

نوع دیگر شناسنامه‌ها تحت عنوان «شناسنامه ملی اشخاص حقوقی» است که در حال حاضر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور سامانه‌ای نیز برای آن تعریف نموده است و کارکرد آن همان‌گونه که از نام آن پیدا است معرفی شناسه‌ی ملی شرکت‌ها، تاریخ تأسیس، نوع شرکت، شماره ثبت، نام شخصیت حقوقی (برند) و از این قبیل اطلاعات است. لذا بنابر توضیحات فوق اسناد رسمی مالکیت و کارکرد آنها تفاوت‌های عمده‌ای به لحاظ شکلی و ماهیتی با شناسنامه‌ها اعم از رسمی و عادی دارد و بطور خلاصه، سند مالکیت، ابزار احراز مالکیت است که می‌تواند شناسنامه‌ای بیان‌گر اوصاف و مشخصات اموال را به همراه و ضمیمه‌ی خود داشته باشد ولی سند مالکیت برابر قوانین از حمایت‌های خاصی در خصوص اثبات رابطه‌ی اشخاص (حقیقی و حقوقی) با اموال برخوردار است اما شناسنامه فقط می‌تواند نماد و بیانگر اوصاف و احوال اشخاص (حقیقی و حقوقی) و اموال باشد و قادر به اثبات رابطه‌ی مالک و مملوک و به بیان دیگر اشخاص و اموال نیست.

فایده‌ی این مبحث حقوقی در این است که چون در گذشته تلاش‌هایی در جهت صدور شناسنامه بصورت غیرفراگیر برای مقوله‌ی فرش صورت گرفته است از هرگونه تشابه مفهومی و ماهیتی و خلط مبحث پیشگیری نموده تا اهمیت موضوع پژوهش در منظر مخاطبین گرامی، تکراری یا پیش پا افتاده یا دارای سابقه تلقی نگردد. همانگونه که صدرأ اشاره شد، اگر شناسنامه‌ای در گذشته برای فرش دستباف فرض کنیم که اتفاقاً نام بافنده‌ی آن قالی نیز در شناسنامه آمده باشد، صرف نظر از اینکه این نام، نمی‌تواند بیانگر هویت مالک قالی باشد بلکه پس از انتقال آن قالی به شخص دیگر هم نمی‌توان هویت بافنده قالی را از شناسنامه حذف نمود، چراکه جزوی از اوصاف کیفیتی آن قالی است. بر فرض که آن قالی باف، استاد کاری حاذق بوده باشد که به موجب نام وی، ارزش مادی و معنوی، آن قالی را، نسبت به نمونه مشابه، ده چندان نماید لذا مالک فعلی قالی و بافنده‌ی آن، هر یک جایگاه خاص خود را دارند و جای ثبت قانونی هویت آنان نیز مخصوص است و فرض دیگر اینکه این شناسنامه در حال حاضر به صورت رسمی نیز صادر شود باز هم نمی‌تواند جایگاه سند رسمی مالکیت را کسب نماید چرا که بنابر مطالب پیش‌گفته‌ی حقوقی و آنچه در مثال ذیل خواهد آمد عملکرد مأمورین رسمی صدور شناسنامه فقط در حوزه‌ی صلاحیت قانونی آنها رسمی است و هرگز قادر به صدورسندی مبنی بر مالکیت اشخاص بر اموال نخواهند بود.

## ۲- تفاوت شکلی

از نظر شکلی نیز دارای تفاوت اساسی هستند، بدین شرح که شناسنامه می‌تواند در یک برگ خلاصه شود و مندرجات آن، مشخصات مال است لکن سند مالکیت بنابر نمونه‌ها و عرف جاری دفترچه‌ای است مشتمل بر چند برگ حاوی شناسنامه (مشخصات موضوع مالکیت)، مشخصات مالک، صفحه‌ی نقل و انتقالات و... که «اخیراً سندی تک برگی تحت عنوان "کاداستر" در رابطه با املاک به جای سند منگوله‌دار و دفترچه‌ای قدیمی به دلیل بالا بودن ضریب امنیت این سیستم و سرعت در پاسخگویی به مراجعین ثبتی اجرا شده است که سیستمی برای مدیریت الکترونیکی املاک است و ثبت سنتی را به سمت ثبت نوین هدایت می‌کند. از مشخصات این شکل سند، ضریب امنیتی بالا در مقابل جعل است بدلیل درج برچسب هولوگرام و همچنین تعویض سند پس از هر انتقال است». ([www.tabnakfars.ir/fa/news/1942518:18\\_1394/7/1](http://www.tabnakfars.ir/fa/news/1942518:18_1394/7/1))

در عین حال که سیستم اجرایی کشور در خصوص اموال غیرمنقول همواره در حال تغییر و تحول و تغییر شکل اسناد آنهاست جای تعجب است که حرکت چشمگیری در خصوص صدور سند مالکیت برای اموال منقول علی‌الخصوص "فرش دستباف" اتفاق نیافتاده است. رفع اینگونه کاستی‌ها که به تأثیرشان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی منجر می‌شود، انقلابی قانونی می‌طلبد تا، با هماهنگ نمودن هرچه بهتر دستگاه‌های اجرایی و نظام حقوقی کشور به حمایت از وضعیت اموال منقول ارزشمند، مشخصاً هنر صنعت فرش دستباف، از دو جنبه‌ی مادی و معنوی در داخل و خارج کشور برخیزد.

## ۳- تفاوت سند رسمی مالکیت (پیشنهادی) فرش دستباف با ثبت علایم تجاری و نشانهای جغرافیایی فرش دستباف

### تفاوت سند رسمی مالکیت با علایم تجاری

علامت تجاری در قانون چنین تعریف شده است: «علامت یعنی هر نشان قابل رویتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد» (ماده ۳۰ ق. ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶) که دارای دو عنصر ویژگی‌های خاص و متمایز نمودن هستند. (بندهای الف و جیم ماده ۳۲ همان) و نیز می‌گوید که علامت باید قابل رویت باشد تا ثبت شود. «علائم جمعی: یعنی هر نشان قابل رویتی که با عنوان علامت جمعی در اظهارنامه‌ی ثبت معرفی شود و بتواند مبدأ یا هرگونه خصوصیات مشترک دیگر مانند کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده، جمعی استفاده می‌کنند متمایز سازد. (بند ب ماده ۳۰ همان قانون)

«که این مراعات قانونی مطابق رویه‌ی کنواسیون پاریس هم هست. ذکر این نکته لازم است که علائم تأییدی را نیز در بر می‌گیرند و همگی جزو علائم تجاری هستند ولی استفاده از آنها به گونه‌ی انحصاری نیست». (خادمی، ۱۳۸۸، صص ۲ الی ۹) همان‌گونه که مشاهده شد هیچ‌یک از قوانین یا علائم فوق قادر به حمایت از حقوق مالکانه از بعد مادی کالایی مانند فرش دستباف نیستند چرا که

اولاً: بنای قانونگذاران از تدوین این مواد، حمایت از حقوق معنوی بوده است. ثانیاً: «اهم قوانین حمایتی از مالکیت فکری و معنوی از جهت مالکیت صنعتی، حاصل کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه‌ی بین‌المللی است که کشور ایران در حال حاضر فقط به برخی از آنها پیوسته است که عبارتند از: کنوانسیون پاریس، موافقت‌نامه‌ی مادرید و پروتکل آن، موافقت‌نامه‌ی لیسبون و یک موافقت‌نامه‌ی دوجانبه‌ی ایران و ایتالیا به تاریخ ۱۳۳۳/۱۱/۶... (همان) این موافقت‌نامه‌ها دارای ضمانت اجرایی هم هستند از جمله مواد ۶۰ و ۶۱ قانون فوق‌الذکر داخلی و بندهای ۱ الی ۶ از ماده ۹ کنوانسیون پاریس و ماده ۲ و ۱۰ همین قانون که به فرض پیوستن کامل به آنان نیز حتی حمایت از یک مالک در حوزه‌ی معنویات نیز به قدر کفایت ممکن نیست.

به‌عنوان مثال تولیدکنندگانی چون فرش شفقی تبریز و شرکت فرش ایران علامت تجاری خود را طراحی و ثبت نموده‌اند که می‌تواند بطور غیر رسمی متمایزکننده‌ی فرش شفقی از فرشهای دیگران باشد، دلیل غیر رسمی بودن آن این است که فقط نوع و شکل ظاهری آن علامت تجاری در اداره مربوطه به ثبت رسیده است، اما نحوه‌ی شکل‌گیری آن به روی یک تخته قالی، محل مناقشه خواهد بود، چرا که این مرحله‌ی استفاده از علامت تجاری توسط مأمورین رسمی صورت نگرفته و بطور رسمی ثبت نگردیده است، فرض کنیم این علامت یا مهر مخصوص به سرقت رود و بطور من غیر حق بر پشت فرش‌های دیگر استفاده شود، در این صورت احراز این تخلف کار ساده‌ای نخواهد بود، چرا که حتی کشف سرقت یا انتصاب این جرم به سارق را نمی‌توان دلیل من غیر حق بودن نحوه‌ی نقش بستن علامت تجاری بر ظهر قالی تلقی نمود. فرض دیگر اینکه تولیدکننده‌ای با ثبت علامت تجاری مخصوص به خود و نسب آن بر یک تخته فرش تولیدی بتواند از نقشه یا بافتی منحصر به فرد، حمایت معنوی نموده و بهره‌برداری تبلیغاتی نماید چگونه می‌تواند مالکیت خود را نسبت به یک تخته فرش دارای این علامت به اثبات برساند، آیا می‌توان تمام فرش‌های به‌عنوان مثال دارای علامت تجاری فرش شفقی را در مالکیت صاحب این نشان تجاری دانست؟

### ۳-۴- تفاوت سند رسمی مالکیت با نشان جغرافیایی:

برای حمایت از اسامی فرش‌های ایرانی است که قلمرو منطقه‌ی، کیفیت محصول را مشخص می‌نماید. (مستفاد از ماده ۸ همان قانون داخلی) با تعریف علائم فوق به عنوان واژگان مربوط به مالکیت معنوی، به فرض بسط و ربط آنان به بعد هنری از فرش دستباف و رجوع به تعریف سند رسمی مالکیت که می‌تواند دربرگیرنده‌ی تمام ابعاد مادی و معنوی یک کالا باشد و قیاسی منصفانه، به سادگی می‌توان دریافت که در طول عمر نسبتاً طولانی کالای هنری و صنعتی فرش دستباف، برای حمایت کامل از حقوق مالکان آن و قانونی‌ترین شیوه، صدور سندی رسمی مبنی بر اثبات مالکیت است که می‌تواند بیان‌گر نشان جغرافیایی مندرج بر روی کالای موضوع این سند نیز باشد.

### ۳-۵- تفاوت سند رسمی مالکیت با اسناد دیگر نقل و انتقال فرش دستباف



## ۱- تفاوت با اسناد رسمی نقل و انتقال

همانگونه که گفته شد صدور سند رسمی مالکیت در بدو تولد یک شیء می‌تواند نقش به‌سزایی در خصوص احراز رابطه آن مال با پدید آورنده و حمایت از آنان داشته باشد حتی اگر قصد انتقال پدیده (مال) به غیر وجود نداشته باشد. خاصیت و کارایی این سند، بیشتر معطوف به زمانی است که شخصی کالا یا مالی را پدید می‌آورد مثل بافنده‌ی یک قالی دستباف و در این مرحله انتقال مال یا محصول تلاش پدیدآورنده از شخصی به شخص دیگر متصور نیست تا نوبت به تنظیم (سند رسمی نقل و انتقال) در دفتر خانه اسناد رسمی برسد این تفاوت برجسته و مرحله‌ی مهم از مالکیت در خصوص اموال منقول، بشدت از چشم مقنن و قوه‌ی مجریه پنهان مانده است و اساساً چگونه می‌توان بدون وجود سند اول رسمی مالکیت به دفاع از حقوق پدیدآورنده‌ی فرش دستباف از حیث مادی و معنوی برخاست و دیگر اینکه اسناد رسمی انتقال این مال به دیگران بر چه مبنای قانونی و مستحکمی استوار است؟ بافنده‌ی قالی دستباف به فرض اینکه شناسنامه‌ای مبنی بر (مشخصات قالی) هم برای محصول تلاش وی صادر شده باشد با توجه به تصریح مقنن مبنی بر شناسایی مالک اموال به واسطه‌ی سند رسمی مالکیت، غیر از اماره‌ی تصرف چگونه می‌تواند مالکیت خود را بدون دغدغه به اثبات رسانده و از حمایت‌های قانونی برخوردار باشد؟

یک سند رسمی تنظیم شده در دفترخانه‌ی اسناد رسمی می‌تواند حاوی عقود مثل بیع (خرید و فروش)، صلح، هبه و... باشد و بیان‌گر این است که شخصی با فرض مالکیت بر کالایی اراده بر انتقال رسمی آن کالا به غیر نموده است و اصولاً تنظیم رسمی عقود برشمرده‌ی فوق در دفترخانه‌ها، در خصوص اموال غیر منقول (املاک) مصداق دارد که بخش مهمی از قانون ثبت اسناد و املاک کشور را نیز به خود اختصاص داده‌اند که پشتوانه‌ی تنظیم چنین عقود در دفترخانه‌های اسناد رسمی، سند مهمی تحت عنوان سند رسمی مالکیت و ثبت شده در دفتر املاک اداره‌ی ثبت است و دارای امتیاز قانونی قابل اجراء بودن که از صراحت و جزمیت کافی و التزام لازم برخوردار است.

## ۲- تفاوت‌های سند رسمی مالکیت با اسناد عادی نقل و انتقال (فاکتورها و...)

هرچند به لحاظ حقوقی، قیاسی مع الفارق است لیکن به دلیل رواج برخی اسناد عادی مثل فاکتورها در عرف تجاری، به عنوان دلیلی بر مالکیت اشخاص، نسبت به برخی اموال منقول و ناچاری دستگاه قضایی کشور به پذیرش آنان به عنوان یکی از ادله ضعیف اثبات دعوا، چاره‌ای جز این مقایسه نیست.

اولاً: اگر این سند عادی یک برگ فاکتور باشد اعم از فاکتورهای (عادی و رسمی) با این توضیح که قید رسمی بودن فاکتور، فقط از حیث قوانین مربوط به اخذ مالیات است و نمی‌تواند عاملی رسمی بر اثبات مالکیت باشد، من حیث‌المجموع هم از لحاظ درج مشخصات کامل کالا و هم درج مشخصات کامل خریدار و فروشنده، بنابر عرف جاری دارای اشکالات فراوان و بدون شک ناقص است و از جهتی

به دلیل دست نوشته بودن و تنظیم از ناحیه‌ی افراد عادی و مختلف با درجه‌ی مختلف سواد ادبی و فنی، نه تنها دستگاه قضایی را متحمل زحمات فراوانی نموده است بلکه گاهی نویسندگان همان اسناد نیز از خواندن و تأیید آنها عاجزند، ثانیاً: نه بصورت رسمی بلکه بصورت عادی هم معمولاً درجایی به ثبت عادی هم نمی‌رسند، لذا امکان تهیه‌ی المثنی و استعمال آنها نیز منتفی خواهد بود، از بحث فراوانی امکان جعل و تزویر در آنان هم که بگذریم، مدت زمان بسیار برای احراز صحت آنها در دادگاه‌ها صرف می‌شود.

#### ماهیت کاربردی قراردادهای عادی فروش و همچنین اسناد رسمی نقل و انتقال فرش دستباف

فاکتورها یا قراردادهای عادی و اسناد رسمی نقل و انتقال فرش دستباف می‌تواند حاوی معامله‌ی چندین تخته فرش باشد لیکن تنظیم سند رسمی مالکیت و تشریفات انتقال آن به غیر، حکایت از یک واحد کالاست، به عبارت دیگر می‌توان یک محموله فرش دستباف را که دارای اسناد مالکیت مجزا و مشخصات منحصر به فرد شناسنامه‌ای هستند، بطور یکجا با یک سند رسمی نقل و انتقال در دفتر خانه معامله نمود، اما نمی‌توان برای کل آن فرشها یک جلد سند مالکیت صادر نمود.

#### ۴- پیامدهای اقتصادی صدور سند رسمی فرش دستباف

##### ۴-۱- حمایت از حقوق مالی و ارتقاء ارزش سرمایه‌ی فعالان این حوزه

با توجه به اینکه اسناد رسمی مالکیت قابل تهرین هستند و چنانچه دارای ارزش اقتصادی قابل قبولی باشد، مورد توجه بانکها، مؤسسات مالی و دیگر سرمایه‌گذاران قرار خواهد گرفت لذا بافندگان از طریق تهرین اسناد رسمی محصول خود به نفع سرمایه‌گذاران، قادر به دریافت تسهیلات و رفع مشکلات خود می‌شوند، کما اینکه در گذشته بانک کار آفرینی با در اختیار گرفتن فرشها مبادرت به اعطای تسهیلات می‌نمود، که با صدور این سند، دریافت و نگهداری هزینه بردار اصل مال، می‌تواند از دستور کار خارج شده و از هزینه‌های منتج از رفتارهای سنتی کاسته خواهد شد. در حال حاضر اظهار نظرهای کارشناسی بصورت فردی و گاهی سلیقه‌ای مبنای مندرجات اسناد بیمه‌ای قرار می‌گیرد چراکه مبنای محاسبه‌ی متقن و دقیقی به صورت نظام نامه در دستور کار نیست، اما با اجرای طرح صدور سند رسمی مالکیت و به واسطه‌ی آن شناسنامه کیفی و فنی، در صورت بروز حوادث مشمول اخذ خسارت در آینده، محاسبات مربوطه، به صورت اصولی و عادلانه‌تری انجام می‌گیرد، بدین ترتیب هرچه محاسبات دقیق‌تر و مبتنی بر نظامات مکتوب و منطقی باشد، تبعاً منجر به احساس امنیت بیشتر و جذب سرمایه‌ی بیشتری نیز خواهد شد و برابر نظر عرفی، امنیت بیشتر موجب افزایش ارزش سرمایه خواهد شد.

فروشنندگان می‌توانند اعم از تولیدکننده‌گان و تاجران باشند چرا که برخی از این دو قشر، هم تولید کننده و هم فروشنده‌ی محصول هستند، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، ایجاد سامانه‌ی جامع الکترونیکی ثبت و ضبط اطلاعات، از ملزومات اجرای طرح صدور سند

رسمی مالکیت است، یکی از قابلیت‌های این سامانه، تسهیل استعلام محصول مورد داد و ستد است که در اینصورت می‌توان تا حد بالایی از وقوع جرم در این عرصه پیشگیری نمود که خود از مصادیق حمایت از حقوق مالی است.

## ۲-۴- ایجاد اشتغال و افزایش دستمزد

صفحه‌ی مشخصات فرش (شناسنامه) نیز از پیش‌نیازهای صدور سند رسمی مالکیت فرش است که خود نیازمند تشکیل کانون کارشناسان رسمی جهت نظارت بر تولید کالا و نهایتاً تأیید کیفیت آن است، در این قسمت می‌توان از وجود خبرگان و دانش آموختگان این حوزه بهره گرفت که سبب اشتغال‌زایی در مناطق مختلف کشور به‌ویژه مناطق محروم شده و از مهاجرت قشر تحصیل کرده به مراکز استانها پیشگیری خواهد نمود. وجود این سند و سامانه‌ی مربوطه، موجب جمع‌آوری سابقه‌ی کاری بافندگان و فعالان حرفه‌ای و تفکیک آنان از مبتدیان و کارآموزان می‌شود و تبعاً در تعیین منصفانه‌ی دستمزدها مؤثر خواهد بود و از سوی دیگر موجب ارتباط مستقیم تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ی نهایی و تبعاً با حذف واسطه‌ها افزایش سود بخش تولید فرش را در پی خواهد داشت.

## ۳-۴- ارتقاء وضعیت تولید فرش دستباف

اسماعیل چمنی رییس اتحادیه فرش تبریز با اشاره به اینکه فرش تنها کالایی است که تولید آن با محوریت ایران انجام می‌شود، می‌گوید: «در این میان فرش تبریز مظلوم واقع شده است و تکلیف افرادی که در این عرصه فعالیت می‌کنند مشخص نیست و باید به این عرصه توجه بیشتری شود» (<https://www.mehrnews.com/news/2787178,13:6,1394/4/4>).

چه بسیار بافندگان و استادکارانی که بی‌نام و نشان، در حراست از اقتصاد ایران جانبازی کرده‌اند و تقدیری از آنان نشد، در صورت اجرای این طرح و درج نام آنان در ستون مشخصات فرش و ثبت آن در دفتر اسناد رسمی کشور زمینه‌ی ماندگاری هرچه بهتر نام و تجمیع رسمی آمار تلاش آنان به صورت فردی و گروهی فراهم می‌گردد و از آنجا که میزان صادرات این محصول استراتژیک در نمودار رشد اقتصادی نقش به‌سزایی ایفا کرده است شایسته است که در قالب طرح‌های تشویقی از بافندگان حرفه‌ای و فعالان مؤثر در این هنر صنعت تقدیر به عمل آید و از سوی دیگر چنانچه مسئولین این حوزه با انتشار میزان و کیفیت فعالیت استادکاران ماهر، در تبلیغ نام آنان به گونه‌ای عادلانه و منصفانه و براساس آمار ثبتی بکوشند، هم به لحاظ معنوی حمایتی شایسته صورت گرفته و هم تبعاً ارزش مادی بافته‌های آنان به واسطه‌ی نام‌آوری، ارتقاء خواهد یافت.

با ایجاد سامانه‌ی مورد نیاز صدور سند رسمی و کانون کارشناسان رسمی مخصوص این طرح، با دسترسی روزانه به آمار و اطلاعات جامع در این زمینه، فعالان این صنعت می‌توانند با بهره‌برداری از این درگاه، ضمن طرح مشکلات خود و شرکت در هیأت‌های اندیشه ورز نظرات خود را نیز مطرح نمایند، و از سوی دیگر، مسئولان اجرایی نیز با تحلیل آمارها و بررسی مشکلات پیرامون مجاری تولیدی به رفع مشکلات آنان و تخصیص اعتبارات بصورت بهینه بپردازند.

#### ۴-۴- توسعه‌ی صادرات، ارزآوری و حفظ جایگاه برند

ایجاد سامانه‌ی جامع الکترونیکی، تدوین شناسنامه‌ی فرش که پیش‌نیاز صدور سند رسمی مالکیت است و دسترسی به این سامانه موجب توسعه‌ی تجارت الکترونیک فرش دستباف، ساماندهی شبکه‌ی فروش و ارتباط مستقیم تولید کننده و مصرف‌کننده‌ی نهایی خواهد شد، تبعاً قدرت رقابت قیمتی عرضه‌ی کالا را در سطح بین‌المللی نیز افزایش داده و موجب توفیق در رقابت با کشورهای دیگر خواهد بود که پیامد آن توسعه و افزایش صادرات، ارزآوری در این حوزه و گسترش نام برند (فرش دستباف ایران) است.

لازم است در همین گفتار به مشکلی در خصوص صادرات فرش و استرداد فرش‌های صادر شده که اخیراً بسیار بحث‌برانگیز بوده است اشاره شود. محمد رضا عابد طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی گسترش تجارت چنین می‌گوید: «تاجران فرش‌هایی در انبارهای خارج از کشور دارند و چون این فرش‌ها با سلیق کنونی بازار مطابقت ندارد تصمیم به بازگشت آنها به ایران گرفتند اما دولت مصوب کرده که این فرش‌ها باید اظهارنامه داشته باشند، در غیر این صورت فرش وارداتی به شمار می‌روند و باید ثبت سفارش انجام و مالیات و عوارض گمرکی پرداخته شود. به گفته‌ی عابد، صادرکنندگان نیز نسبت به این موضوع اعتراض کردند و معتقدند چون فرش‌ها متعلق به سال‌های گذشته است اسناد آنها را نداریم نمی‌توان الزامی برای پرداخت حقوق گمرکی داشت. البته برخی هم ممکن است سوء استفاده کنند و فرش‌های خارجی بیاورند، از همین رو باید فرش‌ها از سوی کارشناسان گمرک به صورت دقیق بررسی شوند و در صورت تأیید ایرانی بودن ترخیص انجام شود و در جلسه‌ی اخیر مجلس هم توافق شد طرحی به مجلس ارائه شود تا مشکلات حل شود. (گسترش تجارت، ۷ آذر ۹۵، شماره ۴۱) بدیهی است وجود سند رسمی مالکیت فرش با قابلیت‌های خاص خود، پایان‌بخش بروز چنین مشکلات و شبهاتی بین دستگاه اجرایی کشور و صادرکنندگان فرش است چراکه به فرض وجود اظهارنامه‌های فوق‌الذکر نیز، استناد به آنها به‌عنوان سندی قابل خدشه، محل اشکال بود.

#### ۵- پیامدهای اجتماعی

##### ۱-۵- تأمین امنیت سرمایه (قدرت اسناد لازم الاجرا)

با اجرای این طرح حقوق مادی و معنوی بافندگان فرش بر محصول تلاش فکری و فیزیکی خود حفظ شده و آنچنان که در بحث مربوط به قدرت اسناد رسمی مالکیت آمد در اثبات حقوق مالکانه‌ی خود دچار زحمت نخواهند شد و نظر به اینکه دارایی آنها (فرش دستباف) از گزند بزه‌کاران مختلف در امان خواهد بود تبعاً احساس امنیت نموده و میل بیشتری به اشتغال در این صنعت خواهند یافت که نحوه پیشگیری از انواع بزه در این حوزه، در بند مربوط به پیشگیری از وقوع جرم خواهد آمد. و دیگر اینکه: در معاملات مرسوم است اهم داد و ستدها با ثمن مؤجل و به صورت‌های مختلف قراردادی و دریافت اسناد تجاری مثل چک و... به انجام می‌رسد، در فرض اینکه خریدار دچار ورشکستگی شود یا عمداً قصد پرداخت الباقی بهای معامله را نداشته باشد، با وجود سند رسمی مالکیت

در دست فروشنده که تبعاً با توجه به عدم وصول مطالبات خود، سند معامله را به نام خریدار انتقال نداده است، امکان توقیف اموال از طریق صدور حکم تأمین خواسته، اخذ دستور موقت توقیف نقل و انتقال کالا یا صدور اجرائیه احکام صادره، با توجه به قدرت لازم الاجرا بودن سند رسمی، به سادگی ممکن خواهد بود و در این مسیر با توجه به اینکه سریال موجود بر کالا که با مندرجات سند رسمی نیز مطابقت می‌نماید، هیچ‌گونه شبه‌ای وجود نخواهد داشت و به همین واسطه به مقدار زیادی نسبت به فرار از پرداخت دین پیشگیری به عمل خواهد آمد.

از طرفی به فرض ورشکستگی خریدار فرش نیز اموال وی به نفع فروشنده‌ای که هنوز بهای معامله را بطور کامل دریافت نکرده است قابل تفکیک و تسلیم خواهد بود.

ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی سازمان ثبت اسناد و املاک: «هرگاه موضوع اجرائیه عین منقول بوده و به آن دسترسی باشد یا مال کلی در ذمه بوده و متعهد از انجام تعهد امتناع ورزد یا مثل آن در خارج یافت نشود، متعهدله می‌تواند بهای روز اجرای تعهد را بخواهد. در این مورد رییس ثبت محل، بهای مذکور را به وسیله کارشناس رسمی و از متعهد خواهد گرفت. مگر اینکه در سند ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد.

تبصره: در خصوص وجود اسناد رسمی برای اموال منقول) دیگر صرف انکار شخص ثالث مانع از تعقیب عملیات اجرایی نیست». یکی از فواید ثبت رسمی اسناد و معاملات در دفتر اسناد سازمان ثبت و سامانه‌های مربوطه، این است که استعلام از سازمان ثبت، پیش نیاز ثبت معامله بعدی و صدور سند جدید مالکیت خواهد بود و بدینوسیله از انجام و ثبت هر گونه معامله‌ی معارض و جرم کلاهبرداری یا خیانت در امانت نیز جلوگیری می‌شود.

## ۵-۲- پیامد تغییر در ساختار سیاستی و برنامه‌ریزی برخی نهادها

بدیهی است که پیامدهای منفی اجرای هر طرحی به تدریج در آینده‌ی اجرای آن طرح نمودار می‌گردد و بررسی آن مستلزم نگاهی جامع به آمارهای حاصل از اجرای آن طرح است لکن از آثار اجرای طرح‌های مشابه نیز می‌توان بهره گرفت و آنچه در حال حاضر قابل گمانه‌زنی است سکنه‌ی کوتاه‌مدتی در روند داد و ستدها به دلیل رعایت احتیاط دست‌اندرکاران تجارت این محصول است که فقط مخصوص این حوزه نیست و تجربه نشان داده است که انتشار اخبار اقتصادی و تغییرات قانونی همواره بخش خصوصی را دچار هیجان، کندی و تندی حرکت می‌نماید و به نظر پژوهشگر چاره‌ی کار این است که ضمن فرهنگ‌سازی همگانی و اجرای طرح به صورت آزمایشی در وسعت یک استان می‌تواند به جامعیت نظامات اجرایی طرح کمک نموده و در نهایت قبل از اجرای وسیع طرح، با تغییر سیاست‌های بخش دولتی که در فصل چهار به آن اشاره شد و در مطالب پیش رو نیز به‌عنوان پیامد ذکر گردیده می‌توان از رکودهای احتمالی در این حوزه پیشگیری نمود.

### ۵-۳- تغییر در سیاست‌های بانکی و بیمه‌ای

در حال حاضر تلاش سیاستمداران بر اصلاح نظام بانکی به نفع بخش تولید است و رشد اقتصادی را در گرو ایجاد تحول در این بخش می‌بینند، یکی از روشهای حمایت از این حوزه، اعطای تسهیلات بانکی و تأمین سرمایه‌ی تولید کنندگان است، لذا اجرای طرح موضوع پژوهش، در واقع موجب تجهیز فعالان هنر صنعت فرش دستباف و آمادگی برای دریافت اینگونه تسهیلات است و چنانچه بافندگان قالی مایل به دریافت تسهیلات بانکی باشند، با وجود سند رسمی مالکیت فرش، مانعی بر سر راهشان نخواهند داشت و با این اتفاق عملاً به سیاستهای کلان دولت نیز جامه‌ی عمل پوشانده و سرمایه‌ی بانکها معطوف بخش‌های تولیدی خواهد شد. هر چند در گذشته بانک کار آفرینی با در اختیار گرفتن فرش‌ها مبادرت به ارائه‌ی تسهیلات می‌نمود ولی در این مسیر نمی‌توانست تفکیکی بین تولیدکننده‌ی نیازمند و تاجر متمول قایل شود و به این صورت بیش‌تر نقش انباردار در حوزه‌ی تجارت فرش را ایفا می‌نمود اما بدیهی است که با وجود سند رسمی مالکیت هویت تولیدکننده یا بافنده از تاجر یا فروشنده و دلال قابل تفکیک خواهد بود و به تبع آن تسهیلات دولتی مخصوص بخش تولید هدفمند و عادلانه‌تر توزیع خواهد شد.

سیاست‌های بیمه‌ای کشور نیز در خصوص فرش‌های دستباف تابع نظام‌نامه‌ی جامع و نظریات کارشناسی قابل قبولی نیست چراکه با فقدان وجود کانون کارشناسی پیشنهاد شده در فصل چهار مواجه است و در حال حاضر برای تعیین میزان بهای فرش‌های تحت بیمه از نظریات سلیقه‌ای و پراکنده‌ی کارشناسی تبعیت می‌کند و همین امر موجب بی‌عدالتی، گاهی به زیان شرکت‌های بیمه و گاهی به زیان بیمه‌گزاران است، پیامد مثبت نظام‌مندی هر چه بهتر این ارزش‌گذاری‌ها و صحت هر چه بهتر عملیات بیمه‌ای موجب اطمینان هر چه بهتر بانکها نیز می‌شود چرا که در زمان اعطای تسهیلات، فقط سند رسمی مالکیت را در رهن خود می‌برند و نیازی به در اختیار گرفتن فرش ندارند، با این اطمینان که در صورت بروز هر حادثه‌ای که منتج به تلف کالا شود، سازمان بیمه خسارت بانک را جبران خواهد نمود.

### نتیجه‌گیری

اولین نکته‌ی حائز اهمیت در طول تحقیقات حقوقی و استنباط از عناصر قانونی، کشف وظیفه‌ی دولت نسبت به موضوع پژوهش بود، که بخشی از این عناصر عبارتند از: ماده ۲۲ قانون ثبت: «دولت، کسی را مالک می‌شناسد که ملکش در دفتر املاک ثبت شده باشد» و همچنین اراده‌ی قانون‌گذار نسبت به جدا سازی ثبت املاک از ثبت اسناد در دفترهای جداگانه، که مطابق مفهوم مواد ۱ و ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت، با آوردن واژه‌ی (اسناد)، ثبت کل اسناد اموال منقول و غیر منقول را در دستور کار آورده است و به گونه‌ای کاملاً روشن وظیفه‌ی نظم و انتظام ثبتی در راستای تأمین امنیت مالکان را به عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار داده است و نظر به وظیفه‌ی کلی دولت در حفظ نظم عمومی که ایجاب می‌نماید با ثبت رسمی وقایع و اعمال حقوقی اشخاص، آنان را به الزامات

ناشی از قراردادهای منعقد نموده و قابلیت استناد آن اسناد را از لحاظ اجرایی بالا ببرد، دلایل و عناصر قانونی وظیفه‌ی دولت را در صدور سند رسمی مالکیت فرش دستباف، تقویت می‌نماید.

یکی از زیرساخت‌های موجود در جهت اجرای این طرح، ماده ۲۲ قانون مقررات صادرات و واردات که بانداک اصلاحاتی مانند جایگزینی (صدور سند رسمی مالکیت) به جای (شناسنامه) در همین ماده قانونی و تدوین آیین‌نامه‌ای جامع برای اجرای آن، به سادگی می‌تواند به عنصر قانونی موضوع پژوهش دست یافت و همچنین وجود قوانین حمایت از مالکیت فکری نیز به نوبه‌ی خود مجوزی قانونی برای صدور این سند محسوب می‌گردند چرا که فلسفه‌ی تصویب آنها حمایت از حقوق معنوی اشخاص بوده است و حق مالکانه‌ی طراحان قالی بر نقشه‌ها از جمله فرش تبریز نیز مشمول همین قوانین است. از طرف دیگر وجود امکانات آزمایش شده‌ی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، مرکز کد گذاری کالا، مرکز ملی فرش ایران و اختیارات قانونی و امکانات اداری این نهاد، شرکت‌های تعاونی و مادر تخصصی در برخی استان‌های تولیدکننده‌ی این محصول و اتحادیه‌های مرتبط با آن، پتانسیل شایسته‌ای برای اجرای این طرح محسوب می‌شوند و نظر به اینکه اجرای صحیح و فراگیر این طرح، مستلزم اصلاح ساختار فرهنگی فعالان این حوزه، همگام با روش‌های نوین مدیریت تولید و تجارت جهانی است، به بررسی و پیشنهاد مؤلفه‌های لازم از قبیل ایجاد قانون رسمی کارشناسان این حوزه، سامانه‌ی الکترونیکی جامع، تشکیل کمیسیون‌های تخصصی و هیأت‌های اندیشه ورز، تغییر برخی سیاست‌های ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور پرداخته و سپس پیامدهای ایجاد این مؤسسات و اجرای طرح موضوع پژوهش را مورد بررسی قرار داده است.

وجود سند رسمی مالکیت فرش و کد الصاقی آن بر مدلول این سند و درج آن در سامانه‌ی پیش گفته، به یاری هرچه بهتر پلیس و دستگاه قضایی شتافته و سرعت عملیات کشف جرایم و پیشگیری از وقوع آنها را میسر خواهد ساخت و به تبع آن امنیت سرمایه گذاری در این حوزه افزایش یافته و ارزش سرمایه‌ای آن را ارتقاء می‌بخشد.

در طول مصاحبه‌های گوناگون با مسئولین و فعالان بنام این حوزه، به لحاظ نظری مخالفتی نسبت به ایده‌ی پیشنهادی مطرح نشد لکن برخی نظرات که معطوف به بخش عملی و اجرایی طرح پیشنهادی بود، ضمن یادآوری مشکلات مربوط به صدور شناسنامه فرش و عدم استقبال عمومی، دلیل عمده‌ی آن را نگرانی تجار از دستیابی دولت به اطلاعات تجاری در این عرصه و در پی آن وضع و اخذ مالیات بیان می‌نمایند و برخی دیگر معتقد بودند که اجرای ناپخته‌ی طرح صدور سند رسمی مالکیت فرش دستباف ممکن است در ابتدا موجب کندی کوتاه مدت روند داد و ستد این محصول و کاهش صادرات آن شود و در پی آن شاهد افت میزان ارزآوری در این حوزه باشیم که البته همین مورد می‌تواند مورد توجه دولت و مجلس قرار گرفته و در نگاه اول طرح پیشنهادی را مورد حمایت کافی قرار ندهند، و متأسفانه آنچه تاکنون نیز شاهد آن بوده‌ایم حمایت‌های جسته و گریخته‌ی دولت بیشتر معطوف به بخش فروش و صادرات این حوزه بوده که ماده ۲۲ قانون صدر الذکر از مصادیق بارز آن است. و حمایت از قشر بافنده که عمده‌ی آنان را روستائیان

تشکیل می‌دهند در قالب اعطای تسهیلات بانکی بوده که به دلیل قوانین دست و پاگیر بانکی و عدم وجود اسناد معتبر قابل ترهین به نفع بانکها، عملاً استفاده از این تسهیلات را برای قشر تولید کننده غیر ممکن نموده است.

#### پی نوشت ها:

۱- ماده ۱ قانون ثبت: در هر حوزه ابتدایی به اقتضاء اهمیت محل یک اداره یا دایره ثبت اسناد و املاک تأسیس می‌شود - ممکن است هر اداره یا دایره ثبت‌دارای شعبی باشد.

۲- ماده ۴۷ قانون ثبت: در نقاطی که اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بداند ثبت اسناد ذیل اجباری است:

(۱) کلیه عقود و معاملات راجعه به عین یا منافع اموال غیر منقوله که در دفتر املاک ثبت نشده .

(۲) صلحنامه و هبه‌نامه و شرکت‌نامه .

۳- (SGS) : اس جی اس، به انگلیسی (SGS) شرکت چندملیتی بوده، که دفتر مرکزی آن در شهر ژنو، سوئیس قرار دارد.

این شرکت ارائه کننده انواع خدمات بازرسی، کنترل کیفیت و صدور انواع گواهی‌نامه می باشد. شمار کارکنان شرکت اس

جی اس بیش از ۷۵,۰۰۰ نفر است که در ۱,۵۰۰ دفتر خدماتی و آزمایشگاه های آن، در سراسر جهان فعالیت می

کنند. خدمات اصلی شرکت اس جی اس شامل بازرسی و تایید مقدار، وزن و کیفیت کالاهای گوناگون، همچنین تست و

کنترل کیفیت محصولات و عملکرد آنها در برابر استانداردهای مختلف بهداشتی، ایمنی نظارتی می‌باشد. این شرکت، در

سال ۱۸۷۸ در روان، فرانسه تاسیس شد. در حال حاضر رقبای اصلی اس جی اس در سطح جهانی عبارتند از: شرکت

اینترتک، توف (سازمان)توف، بیرو وریتاس و گرمایشر لوید

#### علائم اختصاری

همایش ملی فروش  
و نیازهای معاصر  
آبان ۹۷

قانون مدنی

ق.م

قانون ثبت اسناد و املاک

ق.ث

قانون ثبت احوال

ق.ث.ا



#### کتاب:

- امامی، سید حسن، (۱۳۷۱)، "حقوق مدنی"، چاپ اول، جلد ۶، انتشارات کتابفروشی اسلامیة
- اصغرزاده بناب، مصطفی، (۱۳۹۰)، "دعای و اعتراضات ثبتی مربوط به اسناد و آیین رسیدگی به آنها"، چاپ دوم، ج ۱ و ۲ نشر مجمع علمی و فرهنگی مجد
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۵۶)، "حقوق اموال"، نشر مؤلف چاپ مشعل آزادی
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، "مجموعه محشای قانون مدنی"، چاپ اول، انتشارات گنج دانش
- حسینی نژاد، حسین قلی، (۱۳۷۴)، "ادله اثبات دعوا"، چاپ اول، نشر میزان
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، "دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت"، چاپ بیست و سوم، نشر میزان
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، "اثبات و دلیل اثبات"، ج ۱، چاپ سوم، نشر میزان

#### مقالات

- خادمی، حجت، (۱۳۸۸)، "بررسی ظرفیتهای حقوقی علائم تجاری برای حمایت از فرش دستباف در داخل و خارج کشور"، سومین سمینار ملی تحقیقات فرش دستباف، مجموعه مقالات، جلد دوم، مرکز ملی فرش
- زمانی، جمشید، (۱۳۸۳)، "تحقیق پیرامون روشهای اجرایی ثبت طرحها و نقشههای فرش دستباف ایران در مراکز و مجامع بین المللی ذیربط" (حفظ حقوق مالکیت معنوی)، چکیدهی طرحهای پژوهشی

#### پایان نامه

- عبادی وایقان، عباس، (۱۳۸۹)، "نظام حقوقی حمایت بین المللی از فرش ایران"، دانشگاه قم

#### مجلات و روزنامهها

- طره، دوماهانه اطلاع رسانی، آموزشی و تحلیلی فرش دستباف، شماره ۱۰، مرداد و شهریور (۱۳۹۴)
- فرش، فصلنامهی اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران، سال هیجدهم، شماره ۴۶، تابستان (۱۳۹۵)
- گسترش تجارت، سال اول، شماره ۴۱، پیاپی ۱۹۰، آذر ۹۵

#### سایتها

- ([www.asrterbat.blogspot.com/](http://www.asrterbat.blogspot.com/) ۱۳:۲۸, ۱۳۸۷/۸/۱۸)
- ([www.mirzacarpet.ir/post/17,10:52-1391/10/23](http://www.mirzacarpet.ir/post/17,10:52-1391/10/23))
- ([www.tabnakfars.ir/fa/news/19425,18:18-1394/7/1](http://www.tabnakfars.ir/fa/news/19425,18:18-1394/7/1))
- (<https://www.mehrnews.com/news/2787178,13:6,1394/4/4>)

همایش ملی فرش  
و نیازهای معاصر  
آبان ۹۷